



بیانات مقام معظم رهبر در دیدار روحانیان و مبلغان اعزامی به مناسبت فرارسیدن ماه مبارک رمضان - 17 بهمن / 1372

بسم الله الرحمن الرحيم

اولاً لازم می‌دانم از آقایان محترم، علمای محترم و وعاظ و گویندگان و فضیلابی گرامی حاضر در جلسه؛ بخصوص آقایانی که از خارج تهران و راههای نسبتاً دور تشریف آورده‌اند تشکر می‌کنم.

دیدار شما جمع علمای محترم و روحانیون و مظاهر دین و تقوا و توجه به خدا و علم دین بخصوص که در بین جمع حاضر، بعضی از برجستگان علمای محترم تهران هم تشریف دارند در آستانه‌ی ماه مبارک رمضان، برای بنده حُسن مَطَّلعی، هم از جهت ایام مبارک دهه‌ی فجر و هم ایام مبارک ماه رمضان است.

اولاً دهه فجر، برای ملت ما دهه‌ی عزیز است. شاید هنوز کسانی باشند که به خاطر بودن در خود قضیه، اهمیت آن را درک نمی‌کنند. انسان وقتی داخل یک قضیه است، عظمت و ابعاد آن را به درستی احساس نمی‌کند. از بیرون، از دور، از فراز موانع تاریخ و حتی از مرزهای دور جغرافیایی، بهتر می‌شود عظمت این حادثه‌ای را که در این ایام اتفاق افتاد، فهمید. این که غرب و بخصوص رژیم مستکبر امریکا، جایی را در دنیا به عنوان پایگاهی جهت مقاصد خود و پیشرفت فرهنگ فاسد غربی و ضدیت با اسلام و هر چه که در خدمت افکار نو و اسلامی و انقلابی است، انتخاب کند و حکومت آن جا را به همین منظور تقویت نماید و آن جا را خانه‌ی امن خود به حساب آورد و منابع آن جا را متعلق به خود بداند؛ بازارهای آن جا را ملک طلق خود بداند؛ بر ارتش آن حکومت کند؛ بر شؤون اداری و سیاسی آن، نهایت اقتدار و سلطه را به خرج دهد، و آن را پایگاهی برای اشراف بر بقیه کشورها در این منطقه قرار دهد، و پول خرج کند و سلاح بریزد؛ آن وقت، درست در همین نقطه، یک توفان عظیم به وجود آید که بنای همه‌ی آن خواستها و بلندپروازیه‌ها و نقشه‌های خائنه را به هم ریزد و انقلابی رخ دهد که اسلام را، و به طور کلی معنویت را در همه‌ی دنیا، دو مرتبه رواج دهد، موضوع عجیبی است.

انقلاب ما، نه فقط مسلمانان را به فکر اسلام انداخت، بلکه برای مسیحیت هم خوب شد. کشورهایی که سالهای متمادی از دین خودشان که مسیحیت بود، دور افتاده بودند، به طرف معنویت و دین برگشتند. همین، مقدمه‌ای برای فروریزی امپراتوری شرق و بنای حکومت مارکسیستی در دنیا شد. این حادثه چقدر عجیب است و چه ابعاد عظیمی دارد! درست همان جایی را که دشمن برای خود مکمن قرار داده است، خدای متعال مأمون دین و محل بالندگی نهال انقلاب دینی قرار دهد. ببینید این قضیه چقدر عظیم است! تهران دوران حکومت وابسته و فاسد کجا و تهران دوران اسلام کجا؟! مزرعه‌ی رشد ارزشهای فاسد غربی کجا و بوستان بالندگی گلها و میوه‌های ارزشهای اسلامی کجا؟! آن وقت آن مردی که بعد از اولیای خدا، کسی را در انسانهای معمولی به عظمت او، به قدرت او، به تجلی صفات الهی در وجود او نمی‌شناسیم، با آن عظمت از تبعیدگاه خود وارد کشور شود و به محض ورود، با دستی که از آستین قدرت الهی بیرون آمده است، حکومت اسلامی را در دنیای دورافتاده از ارزشهای معنوی، پایه‌گذاری کند! این حوادث جلو چشم ما اتفاق افتاد. ما امام و انقلاب را از نزدیک دیدیم. اما می‌خواهم عرض کنم: اکثر ما خود من یکی از آنها عظمت این پدیده، یعنی پدیده‌ی امام و انقلاب را حس نکردیم. خیلی عظمت دارد! بنده يك وقت به امام عرض



کردم: اگر کسی شبیه شما دویدست، سیصد سال پیش در تاریخ بود و نشانه‌ای از او می‌ماند يك دستخط، يك كلمه امضا، يك تکه از پارچه‌ی لباس - و امروز به دست ما می‌رسید، آن را در موزه‌ها می‌گذاشتیم و به آن تبرک می‌جستیم. حالا شما با وجود خودتان و با همه‌ی حقیقتتان، در مقابل ما هستید. ما چطور می‌توانیم عظمت شما را درک و حس کنیم؟ این يك واقعیت است. باید گسترش این حقیقت در دلها و فضای زندگی ما و در همه دنیا و بخصوص دنیای اسلامی، هر چه زنده‌تر و ملموس‌تر شود.

ماه رمضان هم از يك جنبه‌ی دیگر، درخور يك توجه اکید است که من درباره‌ی این قضیه، چند کلمه‌ای می‌خواستم عرض کنم. اگرچه این مطالب برای شما تازه نیست. حرفهایی است که شما خودتان، آنها را به مردم می‌گویید و برای شما روشن است. اما به عنوان تذکر برای هر کسی که بشنود عرض می‌شود. ماه رمضان در هر سال، قطعه‌ای از بهشت است که خدا در جهنم سوزان دنیای مادی ما آن را وارد می‌کند و به ما فرصت می‌دهد که خودمان را بر سر این سفره‌ی الهی در این ماه، وارد بهشت کنیم. بعضی همان سی‌روز را وارد بهشت می‌شوند. بعضی به برکت آن سی‌روز، همه‌ی سال را و بعضی همه‌ی عمر را. بعضی هم از کنار آن، غافل عبور می‌کنند که مایه تأسف و خسران است. حالا برای خودشان که هیچ، هر کس که ببیند این موجود انسانی، با این همه استعداد و توانایی عروج و تکامل، از چنین سفره‌ی با عظمتی استفاده نکند، حق دارد که متأسف شود. این، ماه رمضان است. ماه ضیافت الله است. ماه لیلة‌القدر است.

از بس اینها را تکرار کرده‌ایم و شنیده‌ایم و گفته‌ایم، برایمان عادی شده است. انسانی به کمال راه پیدا می‌کند که از بین همین چیزهای تکراری، حقایق را پیدا کند. علم مادی نیز همین‌طور است. همه در مدت عمرشان دیده‌اند که وقتی سیب از درخت جدا می‌شود، به طرف زمین می‌افتد. دیگر از این کار عادی‌تر، چیزی در دنیا هست؟! اما يك نفر متوجه شد که این يك پدیده است: چرا سیب پایین می‌آید؟ چرا از درخت که جدا می‌شود بالا نمی‌رود؟ آن وقت نیروی جاذبه کشف شد. يك باب جدید در دانش بشری باز شد. همه‌ی این چیزهای عادی زندگی ما از این قبیل است. قرآن را ملاحظه کنید: «ا فلا ينظرون الی الابل کیف خلقت. (77)» برای عرب شترسوار چیزی عادی‌تر از شتر هست؟! انسان را به آن ابل متوجه می‌کند. ما باید به این پدیده‌های الهی که دور و بر ماست، توجه کنیم. یکی از آنها، همین ماه رمضان است. این ضیافت الله چیز کمی نیست. شنیده‌ایم «ضیافت الله» میهمانی است! آن هم میهمانی‌ای که میزبان آن، خدای عظیم‌علیم کریم‌قدیر است که سراسر آفرینش، در قبضه‌ی قدرت اوست. «فهی بمشیتك دون قولك مؤتمره. (78)» این، ضیافت الهی است؛ این هم ما که دعوت شده‌ایم: «دعیتم فیہ الی ضیافت الله.» از این باید استفاده کرد. استفاده از این به چیست؟ به همین چیزهایی که در اختیار ما گذاشته‌اند: همین روزه، همین نماز، همین نوافل، همین دعا، همین ذکر، همین توجه، همین خشوع و همین تضرع. اگر وارد این میدان شویم و ما معممین سعی کنیم مخاطبان خودمان را هم وارد این میدان کنیم، این کشور تبدیل به يك منطقه بهشتی خواهد شد. دنیا و آخرت درست خواهد شد، که: «ولو انّ اهل القرى آمنوا واتقوا لفتحنا علیهم برکات من السماء والارض (79)» اینها وعده‌ی الهی است. اینها مبالغه و اغراق‌گویی نیست. خدای متعال، برکات زمین و آسمان را بر مردم با تقوا مفتوح خواهد کرد. تقوا هم به همین است.

از بزرگترین اهداف روزه‌ی ماه رمضان یا شاید بشود به يك معنا گفت: «تمام الهدف» تقواست. «لعلکم تتقون.» و این دست ماست. مردم باید هرکدام خودشان، و اگر بتوانند دیگران را اصلاح کنند. این، مخصوص معممین نیست. لکن علما و روحانیون و خطبا و وعاظ آمادگی دارند. خدای متعال به آنها این بیان، این امکان، این ذهن، این



موقعیت اجتماعی و این لباس را داده است؛ و ما باید از آن استفاده کنیم. از جمله چیزهایی که در این ماه رمضان عادی است، این عبارت صریح خدای متعال است که «ليلة القدر خير من الف شهر، تنزل الملائكة و الروح فيها باذن ربهم من كل امر، سلامٌ هي حتى مطلع الفجر. (80)» يك شب تا صبح، مظهر سلام الهی است. همان «سلامٌ قولاً من ربّ رحيم (81)» که مخصوص مؤمنین است. مخصوص اهل بهشت است. مخصوص بندگان خالص خداست. این، در اختیار ماست که استفاده کنیم. این، آن کلمه‌ای است که من می‌خواهم در باب ماه رمضان عرض کنم. این، کلید اصلاح همه‌ی امور است؛ و از این جا شروع می‌شود. کمالین که اصل انقلاب از این جا شروع شد: از مسجد و دین و تقوا.

اگر به امام بزرگوار نگاه کنید، بیشتر معلوم می‌شود که پایه و قاعده‌ی اصلی این حرکت عظیم، تقوا بود. امام، مظهر تقوا و توجّه و معرفت و عمل برای خدا و اخلاص بود. اگر این نبود، نمی‌شد. اگر امام آن قدر خوب و اهل معنا و معرفت نبود، این کار به این جا نمی‌رسید. این مقدمه‌ای برای اصلاح است.

مشکلی که انسان احساس می‌کند روحانیون در نظام جمهوری اسلامی دارند البته ما مشکلات زیادی داریم این است که حکومت پهلوی، پنجاه سال علیه روحانیون در این مملکت تبلیغ کرد. البته این مخصوص حکومت پهلوی هم نبود. اینها بدترینش را کردند؛ فزیحترینش را کردند. و الا اگر کسی به تاریخ این قرن اخیر و حول و حوش آن مراجعه کند، خواهد فهمید که مبارزه با روحانیت، از دوران قاجار به ویژه از زمان ناصرالدین شاه شروع شد. وقتی دیدند که روحانیون با امتیازات خارجی مانند امتیاز «رویترا» و امتیاز «تباکو» مخالفت می‌کنند؛ با فسق و فجور روزافزون و استبداد دستگاه قاجار بخصوص ناصرالدین شاه مبارزه می‌کنند؛ با ورود اروپاییهای بی‌قید و شرط، به کشور ایران مبارزه می‌کنند؛ هم خودشان فهمیدند و هم اروپاییها به آنها فهماندند که اگر بخواهید راحت زندگی کنید، باید این طبقه را از میان بردارید. نمی‌شد روحانیون را از میان بردارند. نمی‌شد این همه نفوس از روحانیون و علما را قلع و قمع کنند. البته گاهی کم و بیش، در گوشه و کنار این کار را می‌کردند. کمالین که مرحوم نوری (82)، مرحوم سید عبدالله بهبهانی و بسیاری از بزرگان دیگر را در گوشه کنار، نابود کردند و از بین بردند.

امروز هم می‌بینید که درصددند روحانیون مؤثر و مفید برای کشور و اسلام و مسلمین را، حذف جسمانی کنند. آخرینش همین حادثه‌ای بود که می‌خواستند در روز دوازدهم در مرقد امام به‌وجود آورند و يك شخصیت برجسته‌ی مفید فدایی برای اسلام و مسلمین و نظام جمهوری اسلامی را از ملت مسلمان بگیرند (83). این مردی که جوانی و عمر خودش را، تا آن جایی که ما دیدیم و فهمیدیم و شناختیم و کسانی هم که ایشان را می‌شناسند، می‌دانند در این راه گذاشته است؛ یعنی رئیس جمهور محبوب ما را می‌خواستند از ما بگیرند که بحمدالله، دست شکسته‌ی شیطانها، در بسیاری از موارد، از جمله در این مورد ناکام ماند و ان‌شاءالله که همیشه در خیانتها و خدعه‌هایشان ناکام خواهند ماند. وقتی نشد آنها را جسماً حذف و از صحنه خارج کنند، از طرق دیگر شروع می‌کنند. تبلیغات برای آنها بهترین راه است. علیه علما، انواع و اقسام تبلیغات را کردند. ما گوشه‌ی مدارس، مشغول درس و بحث بودیم؛ به کسی هم کاری نداشتیم. نمی‌فهمیدیم که همه‌ی دنیای استکبار، به يك معنا بسیج شده است برای این که این بساط و این روحانیت و این دستگاه علم دین و علمای دین را با تبلیغات، به کلی از بین ببرند. خیال نکنید اینها موفق نشدند. خیلی کار کردند. در پنجاه سال دوران پهلوی چه رضاخان و چه پسر رضاخان تبلیغات فراوانی علیه روحانیون کردند. نتیجه چه شد؟ نتیجه این شد که در بین يك قشر، نسبت به روحانیون بدبینی به وجود آوردند. البته توده‌ی مردم، عامه‌ی مردم، اکثریت مردم، بازهم نسبت به علما علاقه و ارادت دارند؛ جامعه‌ی علمی مذهبی را



از اعماق قلب دوست می‌دارند؛ به آنها عاطفاً و فکراً وابستگی دارند. اما توانستند يك قشر را نسبت به روحانیون بدبین کنند. واقعاً شاید علمای دین و طلابی که همه عمرشان را در علم گذرانده‌اند و جز علم دین به چیز دیگری فکر نکرده‌اند، این را باور نکنند.

در دوران رژیم پهلوی در بین عده‌ای از قشرهای متجدد، تبلیغات این بود که روحانیون اصلاً سواد ندارند! اینها اصلاً اهل علم نیستند! اینها هیچ علمی را بلد نیستند! شاید اهل علم ما باور نکنند؛ چون همه‌ی عمرشان را در علم گذرانده‌اند. می‌گویند «مگر ممکن است کسی این‌طور اشتباهکاری کند؟!» بله؛ ممکن است. این کار را کردند. امروز، هنوز عده‌ای از همان بقایای نسل پرورش یافته‌ی دوران رضاخان که دل سنگی داشتند و تحت تأثیر حقایق آشکار شده‌ی بعد از جمهوری اسلامی قرار نگرفتند هستند که با نظام جمهوری اسلامی بدند؛ برای این که در رأس این نظام يك روحانی است. و الا می‌بینند که این نظام، نظام عادلانه‌ای است. می‌بینند که این نظام، از فساد دور است. امروز کدام کشور در دنیا وجود دارد این را ما تحدی می‌کنیم که مسؤولان آن در بالاترین سطوح، آن چنان که در جمهوری اسلامی، به فضل پروردگار و به لطف الهی وجود دارد، این همه نسبت به زخارف و تعییش دنیا و لذات مادی بی‌اعتنا باشند؟!

البته این، جز به اراده‌ی الهی نیست. در این مورد ما کاره‌ای نیستیم. هرچه هست از خدای متعال است؛ از اراده ذات مقدس ربوبی است. ما عجز محض هستیم. نه این که ما کاری کرده‌ایم؛ نه! مایی وجود ندارد. هر چه هست اوست. اراده و قدرت و خواست اوست که دلها را نرم و جانها را به حقایق متمایل می‌کند و نور معنویت را به بعضی دلها می‌تاباند. کسانی را به عبودیت خدای متعال مبتهج می‌کند که دیگر هیچ چیز در دنیا برای آنها لذت بنده‌ی خدا بودن را ندارد.

اینها را می‌بینند؛ پارساییها، عدالت طلبیها، ظلم ستیزیها، مردم‌گرایيها، انس با مردم و از مردم بودن مسؤولان جمهوری اسلامی را می‌بینند و درعین حال، دشمنند! چرا دشمنند؟ برای این که در این مملکت پنجاه سال علیه روحانیت تبلیغات شده است. يك قرآق قلدر بی‌سواد بی‌معرفت وابسته‌ی فاسد معتاد بدبخت، آمد و خودش و پسرش، پنجاه سال بر این مملکت حکومت کردند. آن آقایان که به اصطلاح، خودشان را «منورالفکر» هم می‌دانستند، تا کمر در مقابل آن بی‌سوادهای بی‌معرفت بی‌دین، که واقعاً هیچ چیز نداشتند یعنی سلسله پهلوی خم می‌شدند. حالا گذشتگان گاهی در وجودشان چیزکی از علم و معرفت و فهم و عقلانیت وجود داشت. ولی این بیچاره‌ها این پدر و پسر به کلی از همه چیز تهی بودند. در مقابل اینها خضوع کردند و تسلیم شدند. اما نظام جمهوری اسلامی را که برمبنای معرفت و علم و تقوا و توجه به خداست، قبول نمی‌کنند! برای چه؟ به سبب تبلیغاتی که علیه روحانیت شده است.

من این را از این جهت به شما آقایان علما عرض می‌کنم که این جزو مشکلات کار شماست. در راه خدا باید این مشکل را هم تحمل کنید. شما آقایان با این که همه یا اکثر، صرفاً به کارهای روحانی مشغول هستید؛ عالم دینی و امام جماعت و مدرّس و واعظ هستید؛ مشغول تبلیغ دین هستید و کاری به کار اداره کشور هم ندارید؛ اما چون روحانی‌اید، زیر ذره‌بین چشم بدبین و دل بدخواه دشمن قرار دارید. با توجه به این، روحانیت باید اعمال خودش را مورد مراقبت شدید قرار دهد: در گفتار، در کردار، در مشی شخصی، در مشی خانواده و فرزندان و کسان؛ البته آن مقدار که تحت اراده و اقتدار شماست. «لا یكلف الله نفساً الاّ وسعها» (84) «ممکن است کسی با کسی نسبت



داشته باشد و با این که آن شخص خود را به او منسوب نکند و تحت نفوذ او هم نباشد، اما برایش مایه‌ی دردسر شود. این که دست کسی نیست! در آن حدی که خدای متعال در قرآن به وسیله‌ی پیغمبر خطاب به مؤمنین می‌فرماید، باید رعایت شود: «قوا انفسکم و اهلیکم» (85)

باید عمده‌ی تبلیغ در جهت خاضع کردن دلها در مقابل اراده الهی و تسلیم در مقابل خدای متعال باشد. این، مهمترین کار است. تسلیم در مقابل خدای متعال، مقدمه‌ی همه‌ی خیرات و برکات است. این که باشد، آن وقت دلی که آگاه از حوادث جاری دنیاست، تکلیف را برای صاحب خود معین می‌کند.

امروز در دنیا، اهل کفر و نفاق و استکبار و ظلم، دست به دست هم داده‌اند تا خود را از آسیب حملات موج ایمان و تقوا که بحمدالله در دنیا به وجود آمده است، نجات دهند. امروز کفر و نفاق و ظلم و طغیان، احساس وحشت می‌کند. چرا؟ چون ایمان سربلند کرده است.

این که می‌بینید مسلمانان در اقطار عالم در فلسطین، بوسنی، لبنان، الجزایر، کشمیر و نظام جمهوری اسلامی مورد بغض شدید دشمنان اسلامند، برای این است که ظلم و طغیان، از بیداری ایمان به شدت خائف و ترسان است. لذا از خود عکس‌العمل نشان می‌دهد. راه چاره این است که آحاد ملت بزرگ و عزیز ایران؛ این کسانی که نعمت و لطف الهی را بارها در زندگی خود تجربه کرده‌اند؛ این ملتی که امام را دیده است؛ این ملتی که دوران انقلاب را دیده است؛ این ملتی که دوران هشت ساله‌ی جنگ را دیده است؛ این ملتی که حوادث اعجاب‌انگیز و معجزه‌آسای بعد از جنگ را دیده است، به دیده‌ی تأمل نگاه کند. ببیند بعد از جنگ از سال 68 تا امروز؛ یعنی در همین چهار سال چه حوادث عظیمی در دنیا به وجود آمده است؟! چه کشورهایی رفته‌اند؟! چه کشورهایی به وجود آمده‌اند؟! چه دولتهایی نابود شده‌اند؟! چه شخصیت‌های نامداری از بین رفته‌اند و چگونه اتحادها علیه اسلام، درهم شکسته است؟! آن حمله‌ی عراق به کویت؛ آن حوادث گوناگون در منطقه‌ی خلیج فارس؛ آن حوادث در اروپا؛ آن حوادث در آسیا! اینها همه بعد از پایان جنگ ما تا امروز در همین چند سال اتفاق افتاده است. اینها همه در جهت قدرت‌نمایی ذات مقدس پروردگار و حاکی از این است که خدای متعال، علی‌رغم ظلم و طغیان و کفر روزبه‌روز، برکاتش را بر مردم مؤمن زیاد می‌کند. کسی که دل و ایمان دارد؛ کسی که دلش به یاد خدا زنده است، اینها را خوب می‌فهمد.

دل‌های مردم را با یاد خدا زنده کنید. ذکر الله را در فضای جامعه زیاد کنید. ماه رمضان را، ماه دعا و تضرع و الحاح و تعبد در مقابل پروردگار قرار دهید. باید اول هم از خودمان شروع کنیم تا در مردم اثر بیخشد. آن‌گاه، در این فضای معنوی است که حرکت و مجاهدت و استقامت و معرفت و قدردانی از نعم الهی بر ملت جمهوری اسلامی ایران و کشور عزیز ایران، آشکار خواهد شد.

امیدواریم که ادعیه‌ی زاکیه و لی‌عصر ارواح‌نافداه و عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف، در این ایام و در ماه مبارک رمضان، شامل حال همه‌ی شما و ملت عزیز ایران باشد و ان‌شاءالله ضعف و تلاش قدرتهای مستکبر را به چشم ببینیم و ان‌شاءالله روزبه‌روز، پایه‌های جمهوری اسلامی و ریشه‌های آن، مستحکم‌تر و قویتر و پایدارتر شود.

والسلام علیکم ورحمة‌الله و برکاته



(77) غاشیه: 17

(78) مفاتیح الجنان: دعای فرج.

(79) اعراف: 96

(80) قدر: 3 5

(81) یس: 58

(82) شهید شیخ فضل الله نوری.

(83) اشاره معظم له به حادثه‌ی روز 12/11/72 در حرم مطهر امام خمینی (ره) است. در آن روز یکی از عوامل مزدور استکبار قصد ترور آیه الله هاشمی رفسنجانی را داشت که خوشبختانه اقدام جنایتکارانه اش ناکام ماند.

(84) بقره: 286

(85) تحریم: 6